

بررسی تأثیر قطب‌های رشد بر توسعه اقتصادی اجتماعی منطقه‌ای با رویکرد کاهش فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۶/۳۱

دکتر سید رحیم تیموری

teymoori.r@gmail.com

چکیده:

یکی از الگوهای توسعه منطقه‌ای ایجاد قطب‌های صنعتی است. این الگو برگرفته از نظریه قطب رشد فرانسوا پرو بوده که معتقد است توسعه در همه جا و یکباره اتفاق نمی‌افتد، بلکه فرایند توسعه ابتدا در برخی نقاط یا قطب‌های رشد ایجاد و سپس به نواحی اطراف منتشر می‌شود. این تفکر، یعنی، پخش امواج توسعه از مرکز به پیرامون، به عنوان یکی از الگوهای برنامه ریزی توسعه منطقه‌ای، در برنامه‌های عمرانی چهارم و پنجم قبل از انقلاب مورد توجه قرار گرفت و در چند نقطه به اجراء درآمد.

در اواخر برنامه چهارم کشیده شدن صنعت به محدوده ۱۲۰ کیلومتری تهران مطرح شد و در نتیجه قزوین و ساوه نیز، علاوه بر تهران، تبریز، اهواز، اصفهان و اراک به قطب صنعتی تبدیل شد. بنابراین کریدور توسعه در برنامه پنج ساله چهارم شکل گرفت. در امتداد قطب صنعتی قزوین به سمت شمال و در مجاورت اتوبان تهران-رشت، بخش لوشان از توابع شهرستان رودبار واقع گردیده، فضایی که با احداث کارخانه سیمان خزر (دهه ۵۰ و ۶۰)، شهرک صنعتی جمال آباد (دهه ۷۰)، نیروگاه برق و چندین واحد صنعتی دیگر اینک خصوصیات یک منطقه صنعتی را یافته است.

مقاله حاضر با هدف بررسی اثرات شهرک صنعتی لوشان بر ساختار-اقتصادی اجتماعی منطقه در پی بررسی و آزمون دو مدعای زیر است. نخست، با قرار دادن ویژگی‌های این منطقه صنعتی در مدار قطب‌های صنعتی در پی بررسی اثرات شهر صنعتی لوشان بر ساختار اجتماعی-اقتصادی منطقه در قالب اثرات پخش و واپس روی، در واقع آزمون بر نظریه قطب‌های رشد و توسعه است. دوم، نوشتار حاضر نگاهی اقتصادی به تجربه توسعه قطب‌های صنعتی (شهر صنعتی لوشان) دارد و به این منظور قطب صنعتی لوشان را در توسعه قابلیت‌های اقتصادی این منطقه و تاثیر آن در کاهش فعالیت‌های اقتصاد غیررسمی از جمله اشکال متفاوت قاچاق مورد واکاوی قرار می‌دهد. در جهت تبیین دو مدعای فوق از ماحصل مطالعات انجام شده و اسناد موجود (داده‌های ثانویه) تا جایی که برای خواننده مطلب مسموع و قابل قبول باشد و به شیوه‌های مفید و کارآمد منظور تحقیق حاضر را بیان کند؛ استفاده شده است.

کلید واژه ها: الگوهای توسعه، ساختار اقتصادی، اقتصاد غیر رسمی، قطب صنعتی،

مقدمه:

صاحب نظران به منظور مشخص ساختن تحولات کشورهای در حال توسعه و سطح توسعه یافتگی آنها اصطلاحات متعددی به کار برده اند نظیر: رشد و توسعه، صنعتی شدن، رشد اقتصادی، توسعه اقتصادی، نوسازی، جهان سوم و شهرنشینی. این تعدد مفاهیم توأم با ابهام در فرهنگ لغات، احتمالاً دال بر وجود مشکلی می‌باشد که در مواجهه با واقعیتی نوین، پیچیده، متغیر و متنوع، یعنی "توسعه"، به وجود آمده است. توسعه در علوم انسانی و اجتماعی و سیاست‌گذاری در معانی متعددی بکار برده شده است. از یک طرف توسعه معادل با رشد، تکامل و تغییر قرار داده شده است. از طرف دیگر، توسعه به معنای فرآیند، داشته انسانی، رشد اقتصادی، بسیج سیاسی، امری مطلوب و ارزشی بکار برده شده است. زیرا تنها جامعه شناسان در این زمینه به بحث پرداخته اند بلکه در همه زمینه‌های علمی، اعم از علوم تجربی، ریاضی، انسانی، اجتماعی و هنر، پرسش توسعه

مطرح بوده است. بدین لحاظ با توجه به شرایط متعدد از نظام های مفهومی و نظری متعددی برای توصیف و تبیین توسعه استفاده شده است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۳).

تحلیل توسعه در ایران از جوانب مختلف قابل طرح است. رابطه تجاری ایران عصر صفوی با "هسته در حال گسترش سرمایه داری" اروپا، برخورد نظامی با کشورهای مرکزی اروپای قرن پانزدهم میلادی (پرتقال) در مرزهای جنوبی دولت صفوی، شکست ایران از روسیه در دوره قاجاریه، اصلاحات سیاسی، نظامی، اقتصادی و حقوقی در دوره قاجار، انقلاب مشروطه و آشنایی با مبانی عصر روشنگری از نیمه دوم قرن نوزدهم، شکل گیری دولت مطلقه در دوره پهلوی و اصلاحات از بالا، و نیز انقلاب اسلامی.... زمینه های اصلی شکل دهنده ی "تجربه توسعه" در ایران بوده اند؛ که به روش های مختلف توسط محققان و دانشمندان نظریه پردازی شده اند.

نظریه های مطرح شده در زمینه توسعه در ایران، علی رغم تنوع فراوان، در رده های زیر طبقه بندی می شوند^۱. نخستین دسته از نظریه های توسعه در ایران نظریه های جغرافیایرانیانه هستند که با اتخاذ چشم انداز مونتسکیویی داده های آب و هوایی و جغرافیایی را عامل عقب ماندگی ایران می دانند. نظریه "جامعه کم آب و پراکنده" کاتوزیان و نیز آنچه بعدها آنرا نظریه "حکومت خودکامه" می نامد می تواند در این طبقه قرار گیرد (کاتوزیان، ۱۳۸۷).

دسته بعدی در قالب کلی نظریه های مارکسیستی قابل طبقه بندی هستند. از میان کسانی که به طرح کلی مارکس در زمینه حرکت تاریخی جوامع طی مراحل برده داری، فئودالیسم، سرمایه داری و سوسیالیسم در همه جوامع پایند بوده اند می توان به شارحان نظریه فئودالیسم ایرانی یعنی پطروشفسکی (۱۳۵۷) اشاره کرد. از سوی نظریه شیوه تولید آسیایی که به داعیه مارکس برای فهم و داوری در مورد جهان شرقی - آسیایی و شیوه

^۱ آشکار است نظریه پردازان بسیاری درباره توسعه در ایران تعمق نموده اند که به طرق بسیاری نیز قابل طبقه بندی است. اما طبقه بندی این نوشتار بر مبنای موضوع تحقیق یعنی تبیین نقش دولت توسعه گرا در تغییرات اجتماعی ایران معاصر است.

تولید و متمایز و خاص آن در ایران پایبند است، در دیدگاه استبداد شرقی و نظریه جامعه آبی ویتفوجل (۱۹۹۵) نظریه پردازی شده است. این نظریه طیف های دیگری دارد که از جمله می توان به دیدگاه آبراهامیان درباره نقش دولت در تحولات اجتماعی ایران در سده اخیر (۱۳۹۰)، دیدگاه اشرف درباره موانع شکل گیری سرمایه داری در ایران (۱۳۵۹) و نظریه ترکیبی فوران (۱۳۸۳) اشاره کرد که همزمان از نظریه نظام جهانی، تحلیل شیوه تولید و دیدگاه وابستگی جدید را برای اثبات دیدگاه خود درباره تحولات اجتماعی ایران تلفیق می کند.

نظریه های نوسازی که قائل به ضرورت گذار از وضعیت سنتی به مدرنیته هستند، حوزه وسیعی را در برمی گیرند که با توجه به اولویت دادن به مبانی فکری و اندیشگی نوسازی یا پرداختن به زیرساخت های اقتصادی و صنعتی متنوع می باشند. در حالیکه برخی از اندیشمندان ایرانی از تقدم اندیشه و لزوم اتخاذ دیدگاه عقلانیت محور بر نهادسازی، در امر توسعه تاکید دارند (سریع القلم، ۱۳۶۹) و حتی عقب ماندگی تاریخی و انحطاط ایران را نتیجه هبوط فلسفه و اندیشه عقلی در تصوف دانسته اند (طباطبایی، ۱۳۸۶)؛ متفکرانی نیز ضمن اولویت دادن به مبانی اقتصادی مدرنیته از لزوم صنعتی شدن و استقرار نظام اقتصادی مبتنی بر بازار در جهت حرکت در مسیر سرمایه داری و رشد اقتصادی دفاع نموده اند (نیلی، ۱۳۸۲ و عظیمی، ۱۳۷۳).

نظریه های نهاد گرا حوزه گسترده دیگری هستند که ویژگی کلی آنها را می توان بررسی نقش دولت در توسعه به عنوان موتور محرک دگرگونی ها در کشورهای جهان سوم عنوان کرد (لفت ویچ، ۱۳۸۵ و اوانز، ۱۳۸۰). اندیشمندان زیادی با چنین چشم انداز دولت محوری به تبیین امر توسعه در ایران و سایر کشورهای جهان سوم پرداخته اند. از آن میان می توان به نظریه های زیر اشاره کرد: میردال با طرح نظریه دولت متزلزل در کتاب درام آسیایی (۱۳۸۴) نقش دولت های جهان سوم را در امر توسعه بررسی کرده است؛ کاتوزیان با نظریه شبه مدرنیسم به دوره بندی تاریخی دولت در دوران پهلوی پرداخته است (۱۳۸۴) و رواسانی از مفهوم دولت وابسته (۱۳۶۸) و مهدوی از مفهوم دولت رانتیر (۱۹۷۰) برای تبیین نقش دولت در امر توسعه در ایران استفاده کرده اند.

اگر ویژگی اصلی نظریه نهاد گرا در توسعه را تاکید بر دولت و نقش آن در توسعه تعریف کنیم، در آن صورت توسعه صنعتی دولت محور با اولویت ایجاد قطب های صنعتی در کشور ۱ ذیل این نظریه قابل تحلیل می باشند.

شایان ذکر است یکی از رهیافت هایی که بعد از جنگ جهانی دوم در تعداد زیادی از کشورهای در حال توسعه در جهت دستیابی به توسعه شتابان مورد توجه قرار گرفته است اجرای برنامه های توسعه صنعتی ۲ می باشد. در این میان ایجاد قطب های صنعتی ۳ از راهبردهایی است که از دهه ۱۹۶۰ مورد توجه بسیاری از متفکرین توسعه قرار گرفته و نظریه پردازانی چون فریدمن، میردال، هیرشمن و بخصوص فرانسوا پرو نقش مهمی در فرموله کردن این الگوی صنعتی شدن داشته اند (کلانتری، ۱۳۸۰: ۶۸-۶۰). فریدمن با ارائه مدل مرکز - پیرامون ۴ سعی کرد تا تلفیقی از عوامل را مورد توجه قرار داده و رابطه استثماری قطبی شدن را در مرکز و حاشیه ای شدن را در پیرامون گوشزد نماید (Friedman, 1980). هیرشمن نیز با طرح استراتژی رشد نامتعادل ۵، به توسعه کل از طریق ایجاد بخش ها و مراکز پیشرو و توسعه یافته تاکید کرد. او معتقد بود که صنایع مختلف به منظور استفاده از صرفه جوئی های ناشی از تجمع به تمرکز مکانی در یک محدوده گرایش پیدا کرده و نقاط رشد پدید می آید (کلانتری، ۱۳۸۰ و وانگ، ۱۳۹۰).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

۱ ادبیات نظری غنی و پرباری درباره نقش قطب های صنعتی در توسعه منطقه ای کشورهای مختلف تولید شده که در ادامه به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

۲ Industrial Development Programes

۳ Industrial poles

۴ Core - Periphery

۵ Unbalanced Growth Strategy

همچنین هیرشمن با ابداع مفاهیم اثر نشت به پائین ۱ و اثر قطبی شدن ۲ سعی کرد تا اثرات مثبت و منفی تمرکز صنعتی را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. گونار میردال نیز همانند هیرشمن کاربردهای مکانی فرآیند توسعه را مورد توجه قرار داد. او بر خلاف هیرشمن به تشدید فرآیند قطبی شدن بویژه در کشورهای جنوب باور داشت و در نتیجه دخالت دولت را برای تعادل بخشی ضروری می دانست (کلانتوری و حقیقی، ۱۳۸۲).

اما تنها فرانسوا پرو بود که با ابداع مفهوم جدیدی تحت عنوان قطب رشد ۳، که رویکرد دیگری از عناصر بکار گرفته شده در نظریات هیرشمن و میردال بود، تحول اساسی در مباحث توسعه منطقه‌ای و برنامه ریزی فضایی ایجاد کرد (کلانتوری، ۱۳۸۰: ۶۸). او معتقد بود که توسعه همه جا و در یک زمان اتفاق نمی‌افتد، بلکه آن ابتدا با شدت متفاوت در قطب‌های توسعه ۴ ایجاد شده و سپس در کانال‌های مختلف پخش و نهایتاً کل اقتصاد را تحت تاثیر قرار می‌دهد (chand and kumar, 1990).

دیدگاه فرانسوا پرو از معدود تئوری‌های دهه ۱۹۶۰ بود که با استقبال وسیعی از طرف کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه مواجه شد. این نظریه در برنامه پنج ساله چهارم توسعه (۱۳۴۷-۵۱) وارد برنامه‌های عمرانی ایران گردید و در برنامه پنج ساله پنجم (۱۳۵۲-۵۶) نیز بطور جدی دنبال شد و در این دوره علاوه بر تهران قطب‌های مهم صنعتی در اصفهان، اراک، اهواز، تبریز ایجاد و صنایع بزرگ و عمده کشور در این قطب‌ها متمرکز گردید. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در اواخر برنامه چهارم کشیده شدن صنعت به محدوده ۱۲۰ کیلومتری تهران مطرح شد و در نتیجه قزوین و ساوه هم به قطب صنعتی تبدیل شد. بنابراین کریدور توسعه در برنامه پنج ساله چهارم شکل گرفت. در مجاورت قطب صنعتی قزوین، بخش لوشان از

۱ Trickle Down Effects

۲ Polarization Effects

۳ Growth Pole

۴ Developmental Poles

توابع شهرستان رودبار واقع گردیده در مجاورت اتوبان تهران-رشت واقع گردیده که با احداث کارخانه سیمان خزر (دهه ۵۰ و ۶۰)، شهرک صنعتی جمال آباد (دهه ۷۰)، نیروگاه برق و چندین واحد صنعتی دیگر اینک خصوصیات یک منطقه صنعتی را یافته است. هدف از نوشتار حاضر بررسی اثرات اقتصادی-اجتماعی کارخانه سیمان خزر بر منطقه صنعتی لوشان و شهرستان رودبار است. برای این منظور در ابتدای امر، به معرفی تئوری قطب رشد و زمینه های تاریخی شکل گیری آن پرداخته، و سپس با پرداخت اجمالی به کارخانه سیمان خزر به بررسی موضوع پرداخته و مسئله را از دیدگاه جامعه شناسی تکنولوژی تبیین می کنیم.

شکل گیری و ظهور تئوری قطب رشد

تئوری قطب رشد ریشه در شکل گیری و رشد اندیشه های توسعه منطقه ای دارد. این تئوری در ابتدا موضع گیری بود که علیه رشد سریع پاریس و به منظور جلوگیری از تمرکز بیش از حد فعالیت های اقتصادی در اطراف پاریس بوجود آمد. بنابراین، تئوری قطب رشد پاسخی بود به رشد بیش از حد متروپل و تسلط آنها بر اقتصاد ملی. درمقابل چنین تمرکزی، تئوری قطب های رشد به دنبال ایجاد تعداد زیادی قطب اقتصادی در فواصل مختلف از پاریس بود، بطوریکه این قطب ها قادر باشند جلوی تمرکز فزاینده را گرفته و به پخش فعالیت های اقتصادی و به تبع آن پخش توسعه کمک کنند (نگاه کنید به: زیاری، ۱۳۸۳، آسایش، ۱۳۷۴ و سیف الدینی، ۱۳۸۹).

نطفه اولیه تئوری قطب رشد در مقاله فرانسوا پرو که در سال ۱۹۵۵ منتشر گردید بسته شده است. این مفهوم ابتدا با فضای اقتصادی ارتباط داشت نه با فضای جغرافیایی. در تئوری پرو تصورات زیادی از مفهوم فضای اقتصادی قابل استنتاج است. اما آنچه که کلید اصلی فهم فرایند رشد اقتصادی و تغییر ساختاری را تشکیل می دهد، عبارت از فضای اقتصادی بعنوان محدوده قدرت هاست. این فضاها تحت عناوین قطب ها یا مراکزی هستند که نیروها را به خود جذب و پخش می کنند. بنابراین رشد همزمان در همه جا اتفاق نمی افتد، بلکه در نقاط یا قطب های توسعه ای اتفاق می افتد که از قدرت جاذبه بالایی

برخوردارند. این نقاط توسعه را در کانال هایی پخش می کنند که کل اقتصاد را تحت تاثیر قرار می دهند. قطب های توسعه از کارخانجات، صنایع و بخش هایی از اقتصاد تشکیل شده اند که دارای دو ویژگی عمده هستند. اول اینکه آنها از ارتباط درونی قوی برخوردارند و دوم اینکه رشد خود را با پیوندهای پیشین^۱ و پسین^۲ تنظیم می کنند (کلانتری، ۱۳۸۰).

مفهوم ابداعی پرو در واقع برگرفته از ایده شومپیتر است که رشد محصول مستقیم و غیرمستقیم نوآوری هاست. بنابراین نوآوری های موسسات بزرگ عوامل اصلی و اولیه پیشرفت های اقتصادی است. بسیاری از ابداعات و نوآوری ها در واحدهای بزرگ اقتصادی که قادرند محیط اطراف خود را تحت تاثیر قرار دهند و بر آن چیره شوند، وجود می آید. بنابراین ارتباط بسیار زیادی بین مقیاس فعالیت و واحد بهره برداری با ایجاد و پخش نوآوری ها وجود دارد. تئوری شومپیتر و تئوری ارتباط درونی صنایع دو سنگ بنای عمده تئوری پرو می باشند. بر اساس تئوری دوم، نوآوری های بوجود آمده در یک فعالیت صنعتی، بوسیله موسسات دیگری که فرصت های جدید را بدست می آورند به طور فزاینده ای گسترش می یابند. بعنوان مثال محصولات جدیدی که کشش درآمدی پایین را کنار می زنند و نوآوری های بیشتری را در صنایع مرتبط تشویق و تسریع می کنند صنایع جدید نیز عمدتاً صنایعی را شامل می شوند که از نوآوری بالایی برخوردارند و رشد بیشتری نسبت به صنایع دیگر داشته و ارتباط تنگاتنگی با صنایع پیشین و صنایع پسین برقرار می کنند (همان: ۷۱-۷۰).

علاوه بر آن مقیاس اقتصادی نقش مهمی در فرایند رشد اقتصادی بازی می کند. مشخصه عمومی قطب های توسعه، تمرکز واحدهای صنعتی بزرگ مقیاس و ایجاد تراکم اقتصادی است بطوریکه اینگونه مجموعه ها دارای ارتباط درونی بوده و از زنجیره پیوندهای پیشین و پسین برخوردارند. در دهه های اخیر، بسیاری از بخش های صنعتی مدرن که هم از وسعت زیاد برخوردار بوده و هم دارای ظرفیت تکنولوژیکی بالایی هستند فعالیت های

^۱ Forward linkages

^۲ Backward linkages

خود را در مناطق مختلف تقسیم می کنند تا از منافع، توانایی ها و امتیازات کلیه این مناطق برخوردارند. نمونه اینگونه مکان یابی ها را می توان در فعالیت ها و یا کمپانی هایی دید که ادارات مرکزی و مراکز تحقیقاتی آن در متروپل قرار داشته و عملیاتی که نیاز به نیروی کار نیمه ماهر دارند در مناطق شهری بزرگ و کارهایی که نیاز به نیروی کار ساده دارند و یا کاربر هستند در مناطق حاشیه ای مستقر می شوند. روابط بین این فعالیت ها عمدتاً پیوندهای بین صنعتی بوده و اثرات امواجی آنها بر نواحی محلی ضعیف است.

در کشورهای در حال توسعه تئوری قطب رشد در سه مورد بکار گرفته شده است. اول در مدرنیزه کردن مناطقی که بعنوان نواحی عقب افتاده و دارای اقتصاد منزوی بوده اند. دوم در رابطه با ایجاد مراکز شهری در مناطقی که دارای منابع طبیعی قابل بهره برداری بوده اند. و سوم در مواردی که مشکل رشد فزاینده در متروپل ملی بوجود آمده است. این تئوری در موارد فوق توسط کشورهای مختلف جهان سوم در دهه ۱۹۵۰ بکار گرفته شد.

بطور کلی در دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، قطب های رشد شهری-صنعتی بعنوان ابزاری برای توسعه مناطق عقب مانده و برای جلوگیری از تمرکز بیش از حد متروپل ها بوجود آمد (کلانتری و حقیقی، ۱۳۸۲). بنابراین این رهیافت، بیشتر در کشورهای آسیا و امریکای لاتین بکار گرفته شد که دارای رشد شهری و پیشرفت صنعتی بهتری بودند. اما این استراتژی در بسیاری از زمینه ها از موفقیت کمتری برخوردار بوده است. زیر شرایط و طبیعت مسائل در این کشورها و یا مناطقی که این استراتژی در آنها به اجرا درآمده با شرایط و زمینه هایی که این راهبرد در آنجا فرموله شده است متفاوت می باشد. بسیاری از نواحی در این کشورها که از نقطه نظر منابع طبیعی و مواهب خدادادی کاملاً فقیر بوده، ارتباط ضعیفی با بازار ملی دارند؛ فاقد زیرساخت های ارتباطی، تسهیلات مالی، آموزشی، بهداشتی و سایر تسهیلاتی که برای رشد سریع اقتصادی لازم است می باشند. بطور خلاصه این نواحی نیاز به سرمایه گذاری های وسیع در زمینه زیرساخت های اجتماعی و فیزیکی قبل از اجرای این استراتژی دارند.

تئوری قطب رشد از نظر تاکید بر ایجاد مراکز شهری بر اساس استخراج منابع طبیعی، ارتباط نزدیکی با تئوری توسعه بر پایه صادرات دارد. در واقع نیاز به تولیدات صادراتی (در مرحله اول کشاورزی و در مرحله بعد معادن)، در جهت پاسخگویی به نیازها و خواست‌های ملی موجب تاکید بر ایجاد مراکز شهری بر پایه منابع و نزدیک به تسهیلات بندری و امکانات مناسب راه آهن جهت دستیابی به بازارهای ملی و بین‌المللی شکل می‌گیرند. سرمایه‌گذاری در این نقاط برپایه استخراج منابع، ایجاد زنجیره‌ای از صنایع با پیوندهای پیشین و پسین توجیه می‌گردد. این گونه سرمایه‌گذاری‌ها در مواردی باعث شکل‌گیری نقاط مرکزی در اینگونه مناطق گردیده و موجب جذب سرمایه‌ها و صنایع جدید به این مراکز می‌شوند.

قطب رشد و برنامه‌ریزی منطقه‌ای

پس از ارائه این تئوری در دهه ۶۰ به مرور زمان، ارزش و اعتبار این تئوری بعنوان ابزار سیاست‌گذاری در برنامه‌ریزی منطقه‌ای مورد توجه قرار گرفت. در بریتانیا در سال ۱۹۶۳ از این الگو برای برنامه‌ریزی منطقه‌ای شمال شرقی انگلستان و اسکاتلند مرکزی استفاده گردید. پس از آن این ایده در برنامه‌ریزی ایرلند شمالی و ولز بکار گرفته شد. علاوه بر این کشورها، سیاست‌های نقاط رشد هم در کشورهای توسعه یافته و هم در جوامع توسعه نیافته، مورد استقبال قرار گرفت. بطوریکه از این الگو در برنامه‌ریزی جنوب ایتالیا، در تدوین سیاست‌های ملی نقاط رشد فرانسه و توسعه مراکز خرید و انتشار امواج توسعه به مناطق عقب مانده برزیل و ونزوئلا استفاده گردیده است (کلانتری، ۱۳۸۰: ۷۹).

کشورهایی نظیر آمریکا، شوروی سابق، هندوستان و ایران نیز از این ایده بی‌نصیب نمانده‌اند و هر یک بر حسب ضرورت در بخش‌هایی از کشور به ایجاد قطب‌های توسعه اقدام کرده‌اند. در ایران نیز این مدل از توسعه، در برنامه‌های پنجساله چهارم (۵۱-۱۳۴۷) و پنجم (۵۶-۱۳۵۲) مورد استفاده قرار گرفت و علاوه بر تهران، قطب‌های توسعه صنعتی جدیدی نظری اصفهان، اهواز، اراک و تبریز نیز شکل گرفتند و بعدها قطب‌های دیگری چون قزوین و ساوه نیز به آنها اضافه شدند. حتی ایجاد کشت و صنعت‌ها نیز بر اساس همین ایده در مناطق مختلف کشور به منظور ایجاد قطب‌های کشاورزی اجرا گردیدند.

این تئوری به دلایل مختلف به عنوان ابزار سیاستگذاری مورد استقبال کشورهای مختلف قرار گرفته است، که برخی از این دلایل عبارتند از:

- ۱- بدلیل شکل گیری تراکم اقتصادی در این قطبها، این نقاط به عنوان راهی بسیار کارا و با بهره وری بالا برای زایش توسعه بوجود می آیند.
- ۲- تمرکز سرمایه در این نقاط رشد باعث کاهش هزینه های رشد هزینه های عمومی گردیده و از طرفی دیگر خدمات را در سطح منطقه وسیع تری ارائه می دهد.
- ۳- اثرات پخش توسعه از این نقاط به نواحی اطراف باعث حل بسیاری از مشکلات مناطق عقب مانده و محروم اطراف می گردد.

قطب رشد و پخش نوآوری؛ اثرات احداث کارخانه سیمان خزر

قبل از احداث کارخانه سیمان خزر، لوشان یک روستا با ساختار اقتصادی کشاورزی بود که به واسطه احداث کارخانه ۳۰۰ تنی در سال ۱۳۵۳ ساختار شهری پیدا کرد. بعدها در سال ۱۳۶۶ بعلت نیاز شدید به تولید سیمان در سطح کشور کارخانه به ۲۰۰۰ تن ظرفیت یافت و در تیسیر ماه سال ۱۳۸۰ مطالعات و مکاتبات در خصوص افزایش ظرفیت از ۲۰۰۰ تن به ۴۰۰۰ تن در روز با شرکت های داخلی و خارجی صورت گرفت، و در دی ماه ۱۳۸۰ مجوز افزایش ظرفیت از وزارت صنایع و معادن اخذ کرد و هم اینک با ظرفیت تولید ۴۰۰۰ تن در حال فعالیت است. یک درصد از فروش سیمان خزر به شهرداری تعلق می گیرد و شرایط حاضر لوشان تبدیل به یک شهر صنعتی با تعدادی شهرک صنعتی شده، کارخانجات متعدد و نیروگاه برق شده است.

کارخانه سیمان خزر اثرات زیادی را در بافت اقتصادی- اجتماعی منطقه در دهه های اخیر ایجاد کرده است. نیروی کار کارخانه در طی دهه های اخیر به ترتیب زیر تغییر کرده است. دهه ۶۰ حدود ۶۰۰ نفر نیروی کار داشته که این تعداد در دهه های ۷۰ و ۸۰ به ترتیب به ۴۵۰ و ۳۵۰ نفر کاهش یافته است که علت اصلی کاهش، اتوماسیون خطوط تولید و تغییرات تکنولوژی عنوان گردیده است. روند تولید کارخانه بصورت سه نوبت

کاری و بدون تعطیلی می‌باشد. این کارخانه علاوه بر تامین نیاز استان، منبع درآمدی برای ساکنین این شهرستان کوچک نیز می‌باشد.

بررسی اثرات کارخانه سیمان خزر بر ساختار اقتصادی - اجتماعی منطقه

الف) اثرات مثبت

۱) اثر پخش^۱

۱-۱) ایجاد بازار مصرف مناسب برای تولیدات کارخانه

کارخانه سیمان خزر با ظرفیت تولید ۴۰۰۰ تن بازار مصرف مناسبی را در سطح شهرستان و استان ایجاد کرده که علاوه بر تامین نیاز استان، سهم مهمی در ساخت و سازهای اداری، مسکونی و تجاری - صنعتی استان (از جمله سدسازی) داشته است.

۱-۲) برقراری ارتباط درونی قوی و نیز پیوندهای پیشین و پسین با شهرک‌های صنعتی اطراف از جمله شهرک صنعتی لوشان، منجیل ۲ و رشت

در اینجا می‌توان اشاره نمود که آغاز به کار شهرک صنعتی لوشان در سال ۷۰ با فعالیت کارخانه پرسیت و آزیست و کارخانه ساخت لوله های بتونی بود که از سیمان خزر تغذیه

^۱ مفهوم اثر پخش (Spread Effect) بیان گر این واقعیت است که به مرور زمان اثرات توسعه ایجاد شده در قطب رشد بصورت امواج در فضاهای اطراف خود منتشر می‌گردد. این نشست به پایین یا اثر پخش بویژه برای برنامه ریزان منطقه ای جاذبه زیادی داشته و اخیرا همین جنبه از تئوری استفاده از آنرا در سیاست های منطقه ای عمومیت بیشتری داده است.

۲ شهرک های صنعتی لوشان و منجیل از توابع شهرستان رودبار واقع در استان گیلان و در مجاورت آزاد راه تهران - شمال است.

می نمود و هم اینک این شهرک صنعتی با دارا بودن ۳۶ واحد صنعتی فعال بعد از شهرک صنعتی رشت، رتبه دوم شهرک های صنعتی در گیلان را دارا می باشد. همچنین شهرک صنعتی منجیل در سال ۸۰ با احداث سیلو در مجاورت آزادراه و راه آهن رشت- قزوین کار خود را آغاز کرده که بخشی از ماده خام در ساخت آن از سیمان خزر تامین گردیده است و با سرمایه گذاری ۵۵ میلیارد تومانی احداث بزرگترین کارخانه شیشه های (جام و بطری) را در خاور میانه آغاز نموده است. در کنار این موارد می توان به کارخانجات کانال پیش ساخته در شهر صنعتی رشت که از سیمان خزر تغذیه می کند و ده ها کارگاه بلوک زنی و موزاییک زنی در سطح شهرستان اشاره کرد.

۲) اثر اقتصادی-اجتماعی

۲-۱) تغییر ساختار اقتصادی از کشاورزی-سنتی به صنعتی-تجاری

از فعالیت های اقتصادی بخشی از مردم لوشان می توان به کشاورزی (پیاز و سیب زمینی و گندم) و باغداری (زیتون) اشاره کرد که هم اکنون نیز در مناطق روستایی این منطقه ادامه دارد. با احداث کارخانه سیمان خزر و افزایش ظرفیت تولید و تاثیرات دامنه دار آن بر روی سبک زندگی مردم، این شهر که تا قبل از سال ۱۳۶۰ یک روستا بود، تبدیل به شهری صنعتی شده که مجهز به یک شهرک صنعتی بزرگ و همین طور تعدادی کارخانجات فعال مانند و نیروگاه برق و شهرک های کوچک و بزرگ با ساختار اقتصادی صنعتی-تجاری است.

۲-۲) درآمد زایی

با توجه به کمبود سیمان در کشور و افزایش ظرفیت تولید، کارخانه سیمان خزر اثرات و مستقیم و غیر مستقیم بر اشتغال در سطح شهرستان داشته و نیروهای کار کشاورزی لوشان با مشکلاتی چون بیکاری فصلی و پنهان به افرادی شاغل و با سطح درآمد بالا تبدیل کرده است.

۲-۳) تغییر الگوی اشتغال

جدای از نیروی کاری که مستقیماً با کار در این مجموعه امرا معاش می کنند اشتغال زایی غیر مستقیم از اثرات دیگر این کارخانه است که چندین سنخ نیروی کار بصورت زیر ایجاد کرده است از جمله: ، سیمان فروشان، بونکرداران، مصالح فروشان، صاحبان کارگاه های بلوک زنی و موزاییک زنی، سالن های غذاخوری در جلوی کارخانه، ، خرده فروشان سیمان و....

۳) اثر نهادی-اداری

نقش ادارات دولتی بخصوص اداره بازرگانی بخصوص در نحوه توزیع و نرخ توزیع سیمان حساس است و در زمان کمبود سیمان و اوج مصرف ان در فصول ساخت و ساز یعنی بهار و تابستان، نقش مستقیم در قیمت گذاری دارد. اداره اطلاعات و نیز فرمانداری در جلسات شورای تامین شهرستان، نگاه ویژه ای به کارخانه سیمان خزر دارند.

ب) اثرات منفی

۱) اثر واپس روی

۱-۱) نابرابری توسعه ای و تشدید مهاجرت از روستاها به شهر

۱ اثر واپس روی (Backwash Effect) نشان می دهد که پخش توسعه از قطب رشد منطقه تحت نفوذ بطور یکسان اتفاق نمی افتد. بلکه شهرهای مهم اطراف سهم بیشتری از امواج توسعه را به خود اختصاص می دهند. وقتی که نوبت به مناطق روستایی می رسد ابتدا روستاهای نزدیک و بلافاصل قطب تحت تاثیر امواج متصاعد شده از قطب قرار می گیرند و هر چقدر از قطب فاصله گرفته می شود، امواج توسعه نیز کاهش یافته و روستاهای دوردست و ایزوله شده کمتر از مواهب قطب رشد استفاده می کنند و یا اصلاً تحت تاثیر اینگونه امواج قرار نمی گیرند.

پخش توسعه از قطب رشد منطقه تحت نفوذ بطور یکسان اتفاق نمی افتد. بلکه شهرهای مهم اطراف سهم بیشتری از امواج توسعه را به خود اختصاص می دهند. وقتی که نوبت به مناطق روستایی می رسد ابتدا روستاهای نزدیک و بلافاصل قطب تحت تاثیر امواج متضاد شده از قطب قرار می گیرند و هر چقدر از قطب فاصله گرفته می شود، امواج توسعه نیز کاهش یافته و روستاهای دوردست و ایزوله شده کمتر از مواهب قطب رشد استفاده می کنند و یا اصلا تحت تاثیر اینگونه امواج قرار نمی گیرند. از تبعات اصلی چنین مقوله ای نابرابری توسعه ای و مهاجرت روستا به شهر است که در منطقه تحت مطالعه نمایان است.

۲-۱) روستاهای حاشیه ای و کجروی اجتماعی

نابرابری درآمدی و بیکاری فزاینده در تعدادی از روستاهای این شهر، دلیلی برای گرایش به نابهنجاری در تعدادی از مناطق روستایی است که به شدت از بیکاری و نابرابری درآمدی، که یکی از دلایل آن توزیع نامناسب اشتغال بدلیل اثر واپس روی منطقه صنعتی است، متاثر هستند.

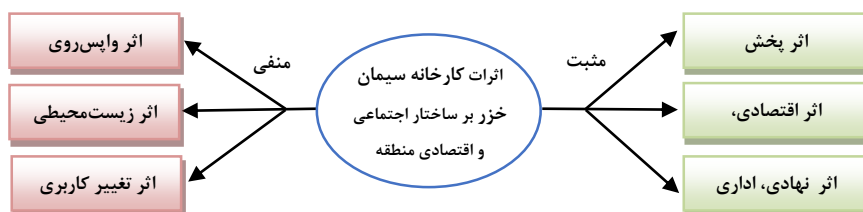
۲) اثر زیست محیطی

آلودگی رودخانه شاهرود در شهر لوشان در اثر فعالیت صنعتی کارخانه و نیز زمین های کشاورزی اطراف معضلی همیشگی است که محیط زیست در این زمینه پیگیری دارد.

۳) اثر تغییر کاربری

اراضی کشاورزی بخش که از قبل از فعالیت کارخانه مختص کشت و کار گندم، پیاز و سیب زمینی و نیز باغداری زیتون بودند بهدلیل ساخت و ساز شهرک صنعتی و کارخانه های متعدد دچار تغییر کاربری از کشاورزی به فعالیت صنعتی هستند.

دیاگرام شماره ۱: اثرات کارخانه سیمان خزر بر ساختار اجتماعی-اقتصادی منطقه



نگاه به "مسئله" با رویکرد تاثیر بر کاهش فعالیت های اقتصادی غیررسمی

در بخش نخست این پژوهش با هدف آزمون نظریه قطب های رشد و توسعه، ضمن قرار دادن ویژگی های منطقه صنعتی لوشان در مدار قطب های صنعتی، اثرات شهر صنعتی لوشان بر ساختار اجتماعی-اقتصادی منطقه را در قالب اثرات پخش و واپس روی بررسی نمودیم. در این بخش در صدد بررسی این مدعا هستیم که شبکه ای از عوامل اقتصادی-اجتماعی اثرگذار در توسعه قابلیت های اقتصادی یک منطقه صنعتی وجود دارد که در نهایت می تواند گرایش به فعالیت های اقتصادی پنهان و غیررسمی را عملاً کاهش می دهد. برای این منظور ابتدا نگاهی به دیدگاه های موجود در جامعه شناسی تکنولوژی و نظریه کنشگر-شبکه لاتور می اندازیم.

در ابتدا باید تاکید نمود که جامعه شناسی تکنولوژی^۱ به بررسی رابطه متقابل و دوسویه جامعه و تکنولوژی علاقمند است و قائل به دو رویکرد کلی می باشد. رویکرد نخست یا جبرگرایی تکنولوژیکی^۲ مدعی تاثیر تعیین بخش تکنولوژی بر واقعیت اجتماعی است. اما رویکرد دوم یا ساخت اجتماعی تکنولوژی^۳ معتقد است طراحی، توسعه، تولید و اشاعه تکنولوژی متأثر از عوامل بسیار مختلفی (از قبیل عوامل شناختی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، نظامی، جغرافیایی، فرهنگی و...) است (اینگولد، ۱۳۷۳ و کروز، ۱۳۹۰). مطابق جبرگرایی تکنولوژیکی، خود تکنولوژیکی محرک اصلی است؛ این نظرگاه بر آن است که تکنولوژی روند ذاتی تکامل خود را دارد و جامعه باید با آن سازگار شود؛ تکنولوژی با افزایش کفایت به عنوان یکی از اصول اساسی پویایی خود، امری است خود-مؤثر. از طرف دیگر، تفاسیر ساختارگرایانه اجتماعی تکنولوژی، ادعا دارند که تکنولوژی به میزان زیادی، یا حتی کاملاً، به نحو اجتماعی تعیین می یابد (توکل، ۱۳۹۱).

۱ Sociology of Technology

۲ Technological Determinism

۳ Social Construction of Technology

بر ساخت اجتماعی تکنولوژی ۱ که موفقیت تکنولوژی یا صنعت ۲ را مستلزم درک مسایل تعریف شده مرتبط با آن و راه حل های ارائه شده از سوی گروه های مختلف ذیربطی می داند که به این تکنولوژی یا صنعت از چارچوب تکنولوژیک خود می نگرند . چارچوبی که از دانش ، علم و ارزش ها و اهداف خاص آن ها تشکیل شده است. در این رهیافت ، تکنولوژی ها قابلیت انعطاف تفسیری ۳ دارند و در واقع این معانی بارشده بر آن هاست که باعث پیدایش و شکل گیری و تثبیت آن ها می شود (توکل و مهدی زاده، ۱۳۸۶).

در نظریه کنشگر-شبکه ۴، یکی از مهمترین نظریه های برساخت گرا در توسعه فرقی بین اجزای انسانی و غیرانسانی نظام های تکنولوژیک گذاشته نمی شود، بلکه هر جزء کنشگری تلقی می شود که خواست و اراده خود را با ترجمه کردن به منافع کنشگران دیگر، به پیش می برد. کنشگران این کار را با شبکه سازی و غلبه بر مقاومت سایر کنشگران و شبکه آن ها به پیش می برند. این کنشگران می توانند به نوبه خود قدرتی باشند که یا سیطره می یابند و بقیه را به خدمت می گیرند یا بدون انگیزه و خواستی هستند و منفعلانه تحت اراده و قدرت کنشگران دیگر قرار می گیرند. این نگاه به ما نشان می دهد که برخلاف ظاهر امر، تکنولوژی ها صرفاً برآمده از یک نیاز اقتصادی صرف و راه حل های صرفاً عقلانی وسیله ای و منفک از عوامل اجتماعی، ارتباطی و سیاسی نبوده اند. بلکه آن گونه که جان لاو نیز می گوید غلبه بر مقاومت ها در شبکه تکنولوژیک آن ها، لازمه استقرار و نهادینه کردن قدرت جدیدی است که بر تکنولوژی ، فرآیندها و نظام ها بارگذاری می گردد (latour, 1997). در نظریه کنشگر-شبکه لاتور، حرکت نوآوری از خلال زمان و مکان و در دستان افرادی است که هر یک ممکن است به شیوه های متفاوتی به تکنولوژی واکنش نشان دهند ، آن را اصلاح کنند، منحرف کنند، به آن

۱ SCOT = Social Construction of Technology

۲ در این پژوهش توسعه قطب صنعتی نمونه ای از کاربست تکنولوژی و اشاعه نوآوری در منطقه جغرافیایی است.

۳ interpretative flexibility

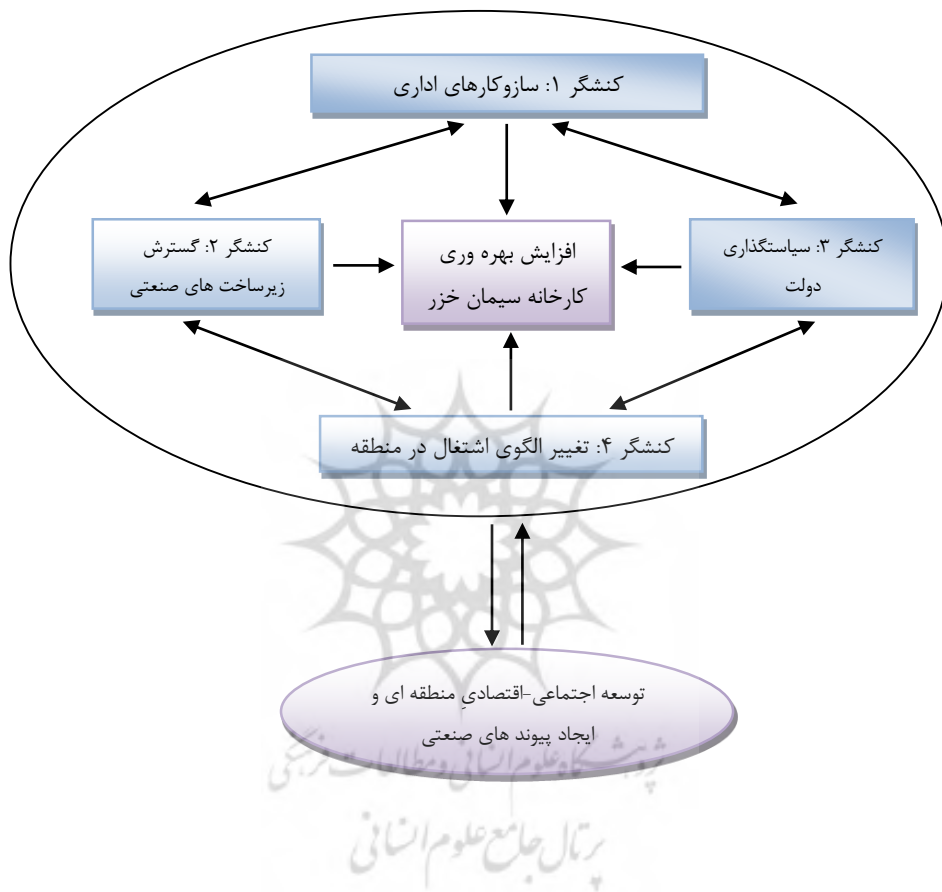
۴ ANT = Actor -Network Theory

خیانت کنند، به آن بیفزایند، آن را متناسب سازند یا به سقوط و اضمحلال آن کمک کنند^۱.

در این چشم انداز تکنولوژی وقتی به طور موفقیت آمیز توسعه می یابد که ترجمه خوب و درستی از آن انجام شود و بتواند در شبکه های منسجم و قدرتمند ارائه شود. با توجه به استدلال مطرح شده، بنظر می رسد توسعه کارخانه سیمان لوشان و ایجاد پیوندهای صنعتی در چارچوب نظریه کنشگر-شبکه طبق نمودار زیر قابلیت تبیین بهتری از سایر نظریه های معطوف به رابطه تکنولوژی و زمینه اجتماعی-اقتصادی دارد. با توجه به آنچه از بحث فوق استنتاج می شود، افزایش بهره وری کارخانه سیمان خزر به زبان لاتور توسط کنشگران دیگر ترجمه شده و شبکه وسیعی از ذینفعان را درگیر کرده که در نهایت به پویایی این منطقه صنعتی کمک نموده است. این شبکه کنشگران شامل سازوکارهای اداری لازم جهت تسهیل در فعالیت مناطق صنعتی و ایجاد پیوندهای اولیه و ثانویه، گسترش زیرساخت های صنعتی در منطقه، سیاست گذاری دولتی در جهت تسهیل فعالیت های صنعتی و تغییر الگوی اشتغال و کارآفرینی در منطقه است که در نهایت افزایش بهره وری کارخانه سیمان خزر و نیز توسعه اجتماعی-اقتصادی منطقه ای و ایجاد پیوند های صنعتی انجامیده است. آشکار است که با ایجاد پیوندهای صنعتی و ورود مناطق روستایی به چرخه صنعتی در این شهر، می توان به افزایش فعالیت های اقتصادی مولد و کاسته شدن از دامنه فعالیت های اقتصادی، غیررسمی، پنهان و زیرزمینی در چنین مناطقی امیدوار بود.

^۱ نگاه کنید به: توکل، محمد و محمد رضا مهدی زاده، "بررسی توسعه تکنولوژی و صنعت نفت ایران ۱۳۵۷-۱۳۸۷، نگاهی از دریچه جامعه شناسی تکنولوژی"، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۱، پائیز ۱۳۸۶.

دیاگرام شماره ۲: شبکه کنشگران فعال در توسعه منطقه صنعتی لوشان



نتیجه گیری:

این جستار بر نقش توسعه ای قطب ها و مناطق صنعتی بر ساختار اجتماعی- اقتصادی یک جامعه هدف پرتو جدیدی می افکند. برای این منظور ابتدا به بررسی اثرات پخش و واپس روی کارخانه سیمان خزر در امتداد کریدور توسعه صنعتی کشور و ایجاد منطقه صنعتی لوشان در مسیر قطب های صنعتی موجود در کشور با استفاده از چارچوب نظری فرانسوا پرو و دیگران می پردازد و در گام بعدی با اتخاذ رویکرد شبکه-کنشگر لاتور در قالب برساخت اجتماعی تکنولوژی که از پارادایم های اصلی جامعه شناسی تکنولوژی است؛ به بررسی منافع کنشگران مختلف در توسعه این منطقه صنعتی می پردازد.

در حالیکه نتایج گام نخست تحلیل موید دیدگاه پرو در زمینه اثرات مثبت و منفی مختلف ایجاد مناطق صنعتی در توسعه اقتصادی-اجتماعی ناحیه جغرافیایی معین در این پژوهش است؛ در گام دوم تحلیل از نگاه اقتصادی و فنی صرف خارج شدیم و رابطه تکنولوژی (ایجاد نوآوری تکنولوژیکی یعنی کارخانه سیمان خزر و شکل گیری منطقه صنعتی) و جامعه (بافت اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی منطقه) را با زبان جامعه شناسی تکنولوژی مطالعه نمودیم. نتایج این بخش از مطالعه نشان داد که افزایش بهره وری کارخانه سیمان خزر به زبان لاتور توسط کنشگران دیگر ترجمه شده و شبکه وسیعی از ذینفعان را درگیر کرده که در نهایت به پویایی این منطقه صنعتی کمک نموده است. این شبکه کنشگران شامل سازوکارهای اداری لازم جهت تسهیل در فعالیت مناطق صنعتی و ایجاد پیوندهای اولیه و ثانویه، گسترش زیرساخت های صنعتی در منطقه، سیاست گذاری دولتی در جهت تسهیل فعالیت های صنعتی و تغییر الگوی اشتغال و کارآفرینی در منطقه است که در نهایت افزایش بهره وری کارخانه سیمان خزر و نیز توسعه اجتماعی-اقتصادی منطقه ای و ایجاد پیوند های صنعتی انجامیده و به کاهش دامنه فعالیت های اقتصادی، غیررسمی، پنهان و زیرزمینی در چنین مناطقی کمک نموده است.

فهرست منابع و مآخذ

- آبراهامیان، یرواند، تاریخ ایران مدرن، ترجمه ابراهیم فتاحی، نشر مرکز، ۱۳۹۰.
- آسایش، حسین، اصول و روش های برنامه ریزی ناحیه ای، انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۴.
- آزاد ارمکی، تقی، جامعه شناسی توسعه، اصول و نظریه ها، نشر علم، ۱۳۸۶.
- اشرف، احمد، موانع تاریخی رشد سرمایه داری در ایران: دوره قاجاریه، انتشارات زمینه، ۱۳۵۹.
- اوانز، پیتر، توسعه یا چپاول: نقش دولت در تحول صنعتی، ترجمه عباس زندیاف و عباس مخبر، چاپ دوم، تهران، طرح نو، ۱۳۸۰.
- اینگولد، ت، ابزارها، ذهن ها و ماشین ها: گذری به فلسفه تکنولوژی، ، ترجمه محسن ثلاثی، نامه علوم اجتماعی، شماره ۷، سال ۱۳۷۳.
- پطروشفسکی، ایلیا، کشاورزی و مناسبات ارضی در عهد مغول، ترجمه کریم کشاورز، انتشارات نیل، ۱۳۵۷
- کروز، پیتر، دانشنامه فلسفی راتلج، مترجم؛ حجت.ه. پویان، ۱۳۹۰.
- توکل، محمد و محمد رضا مهدی زاده، بررسی توسعه تکنولوژی و صنعت نفت ایران ۱۳۵۷-۱۲۸۷، نگاهی از دریچه جامعه شناسی تکنولوژی، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۱، پائیز ۱۳۸۶.
- توکل، محمد، جامعه شناسی علم، انتشارات جامعه شناسان، ۱۳۸۹.
- توکل، محمد، جامعه شناسی تکنولوژی، انتشارات جامعه شناسان، ۱۳۹۱.
- کلانتری، خلیل، برنامه ریزی و توسعه منطقه ای، انتشارات خوشبین، ۱۳۸۰.

- کلانتری، خلیل و سرافراز حقیقی، مطالعه اثرات قطب صنعتی مبارکه اصفهان بر توسعه کشاورزی منطقه، مجله علوم کشاورزی ایران، جلد ۳۴، شماره ۳، سال ۱۳۸۲.
- زیاری، کرامت‌الله، مکتب‌ها، نظریه‌ها و مدل‌های برنامه و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، انتشارات دانشگاه یزد، ۱۳۸۳.
- سیف‌الدینی، فرانک و موسی پناهنده خواه، چالش‌ها و موانع برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای در ایران، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۳، ۱۳۸۹.
- عظیمی، حسین، مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران، نشرنی، ۱۳۸۵.
- رواسانی، شاپور، حکومت و دولت در ایران، نشر شمع، ۱۳۶۸.
- سریع‌القلم، محمود، توسعه، جهان سوم و نظام بین‌الملل، نشر سفیر، ۱۳۶۹.
- صرافی، مظفر، مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۷.
- طباطبائی، سیدجواد، دیباچه‌ای بر نظریه انحطاط ایران، نگاه معاصر، ۱۳۸۶.
- فوران، جان، مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، موسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۸۳.
- کاتوزیان، همایون. نه مقاله در جامعه‌شناسی تاریخی ایران. نشر مرکز، ۱۳۸۷.
- لفت ویچ، آدریان، دولت‌های توسعه‌گرا، ترجمه جواد افشارکهن، چاپ اول، مردییز، نی‌نگار، ۱۳۸۵.
- میردال، گونا، درام آسیایی، ترجمه منوچهر امیری، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۴.
- مهدوی، حسین، "الگو و مسائل توسعه اقتصادی در دولت‌های رانتیر، مطالعه موردی ایران"، ۱۹۷۰.
- نیلی، مسعود، دولت و رشد اقتصادی در ایران، نشرنی، ۱۳۸۷.

-وانگ، ژین هائو، روش های تحلیلی در برنامه ریزی شهری و منطقه ای، ترجمه مجتبی رفیعیان و ایوب شریفی، مرکز نشر آثار علمی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۰.

Callon, M. (1999) "Actor-Network Theory - The Market Test". In Law, - Hassard, J. (Eds.), Actor Network Theory and After (pp. 181-195). &.J Oxford: Blackwell Publishers.

- Chand, M. and Vinay Kumar, 1990. Regional planning in India, Allied Publishers Limited, NewDelhi.

- Friedmann, J. and C. Weaver, 1980. Territory and Function: The Evolution of Regional Planning, University of California Press.

- Hughes, T. P. (1983) Networks of power. Electrification in Western society

1880 - 1930. The John Hopkins Univ. Press.

- Latour, B. (1997) 'On Actor Network Theory: A Few Clarifications', [Online] Available at <http://www.keele.ac.uk/depts/stt/stt/ant/latour.htm>

- Rogers, E. M. (1995) Diffusion of innovations. (4th Ed.). New York: Free Press.

-Wittfogel, Karl. Oriental despotism, Yale university press, 1995.



پروفیسر شہناز گل خان
پرنسپل جامعہ اسلامیہ
پرنسپل جامعہ اسلامیہ